

درسی برنامه‌های راهبران

بتول سبزعلی سنجانی

همه راه‌ها به مدرسه و کلاس درس و معلمان ختم می‌شود؛ همان جایی که جریان آموزش و پرورش آغاز می‌گردد. برنامه‌ریزان هر جا ایستاده باشند و برنامه‌های خود را با هر چشم‌اندازی که طراحی و از هر کجا که آغاز کنند، باید نتیجه تلاش‌ها و اقدامات خود را به دست معلم کلاس درس در مدرسه بسپارند.

ما در حال حاضر با تغییرات اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای روبه‌رویم. نظام آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی با همه همت خویش می‌کوشد شهروندانی تربیت کند که بتوانند در محیط زندگی واقعی پاسخگو و مسئولیت‌پذیر باشند؛ شهروندانی که بتوانند با تغییرات و تحولات زندگی خود را منطبق کنند و از یادگیری‌ها و مهارت‌های لازم برای زندگی شخصی و اجتماعی برخوردار شوند.

اکثر دولت‌ها با سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و اختصاص نسبی از کل بودجه خود به آن، تمایل خود را به تربیت نیروی کار باهوش و ماهر مورد نیاز در این محیط در حال تغییر نشان داده‌اند. دولت‌ها به این منظور، در پیاده‌سازی و مرتب‌کردن برنامه‌های آموزشی معینی می‌کوشند. معلمان در صف اول این برنامه‌های آموزشی قرار دارند. معلمان با اثرگذاری و نقش‌آفرینی در این برنامه‌ها، برنامه‌های درسی و آموزشی را به چالش می‌کشند؛ به طوری که نمی‌توان این نقش را به‌سادگی نادیده گرفت یا آن را در حد یک مجری بی‌چون و چراهی کم‌وکاست به کار گرفت. موضوع چگونگی این نقش‌آفرینی درخور اهمیت و توجه جدی است.



شما، به‌عنوان معلم، هم معلم مدرسه‌اید و هم شهروند جامعه و در هر دو نقش به کار آموزش و ساختن زندگی می‌پردازید



برنامه‌داری چه سودایی در سر می‌پرورد؟

شما، به‌عنوان معلم، هم معلم مدرسه‌اید و هم شهروند جامعه و در هر دو نقش به کار آموزش و ساختن زندگی می‌پردازید. پیش از هر چیز خود را در محور و کانون اصلی آموزش زندگی قرار دهید. از خودتان نپرسید چگونه می‌توانم برنامه‌ام را به‌طور مؤثری اجرا کنم و بهبود بخشم. بلکه به جای آن از خود سؤال کنید دانش‌آموزان چه توانمندی‌هایی را برای موفق شدن و ورود به جامعه لازم دارند. از خود نپرسید چگونه من می‌توانم به آنان کمک کنم تا این توانمندی‌ها را بهتر در خود پرورش دهند. نگاهتان را به زندگی دانش‌آموزان و جامعه متمرکز کنید. برنامه‌های آموزشی و درسی با این نگاه و در این چارچوب می‌توانند معنای واقعی پیدا کنند و جهت‌گیری و انتظارات واقعی از شما را تعیین کنند. در همین چارچوب است که درس‌ها معنا پیدا می‌کنند. هر درسی قرار است این توانمندی‌ها را در دانش‌آموزان پرورش دهد. موقعیت و فضای زمانی و مکانی مدرسه، فرصت آماده‌سازی و تمرین برای ورود به زندگی واقعی را فراهم می‌کند. از این‌رو، هر اقدام و موقعیتی با چنین جهت‌گیری مورد توجه قرار می‌گیرد و اهمیت خود را باز می‌یابد. برنامه‌های درسی برای سازمان‌دهی این معنا طراحی می‌شوند و به‌اجرا درمی‌آیند.

برنامه‌داری درسی به شکل‌های گوناگون تعریف می‌شود: برنامه‌داری تعاملی^۱، ساکت^۲، صریح^۳، پنهان^۴، قصد شده^۵ و اجرا شده^۶. هر کدام از این برنامه‌ها به جنبه‌هایی از برنامه‌داری اشاره دارند. برنامه‌های درسی باوجود تنوع و تعددشان، معلم را سر کلاس درس دست‌خالی رها می‌کنند. برنامه‌ها چگونه باید اجرا شوند؟ کسی چیزی نمی‌گوید. معلم باید فکری به حال خود کند. برنامه‌های درسی خطوط کلی و چارچوب‌هایی محسوب می‌شوند که باید با خلاقیت و تجربه‌های آموزشی و واقعی معلم پر شوند. معلم باید خود بیندیشد که چگونه محتوای برنامه‌های درسی را به‌کار گیرد تا هم متناسب با نیاز و علاقه دانش‌آموزان باشد و هم با شرایط آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به جامعه متناسب شود. معلم بهتر از هر کس نیازهای دانش‌آموزان را می‌شناسد. درست است که برنامه‌ریزان به شکلی کلی مهارت‌های مورد نیاز را تعیین می‌کنند، اما این معلمان هستند که می‌توانند با چشم باز انواع مواد آموزشی، فعالیت‌ها و مهارت‌های مورد نیاز را تهیه و تدارک ببینند. آنان وظیفه آماده‌سازی و مرحله‌بندی مهارت‌ها را در سطوح گوناگون

همه اقدامات و طراحی‌ها در نهایت به مدرسه و معلمان سپرده می‌شود. مدرسه و کلاس درس واقعی‌ترین و عینی‌ترین جلوه و جایگاهی است که اتفاق‌های آموزشی در فضای آن سازمان‌دهی می‌شوند و به‌اجرا درمی‌آیند. برنامه‌های درسی طراحی شده آشکار و پنهان، صریح و ضمنی، همه و همه در دست‌ان معلمان و اقدامات اوست که شکل برنامه‌داری اجرا شده و واقعی به خود می‌گیرد. معلمان‌اند که مسئولیت پیاده‌سازی برنامه‌داری را به‌دوش می‌کشند و تغییرات لازم و متناسب‌سازی آن‌ها را با شرایط آموزشی موجود و به‌فراخور دانش‌آموزان و برحسب صلاحدید خود اعمال می‌کنند.

درباره تغییرات آموزشی بحث‌های زیادی شکل گرفته و این پرسش مطرح است که چگونه چنین تغییری به‌عنوان بهترین شیوه در نظر گرفته شده است. چگونه منافع دولت در کنترل محتوای برنامه‌داری و شیوه‌های اجرایی آن در شکل دادن رفتار شهروندان آینده جامعه سازمان‌دهی شده و به‌اجرا درآمده است. فولان^۱ مدرسه را مرکز نوآوری و تغییر قلمداد می‌کند. ما چه نظام متمرکز داشته باشیم و چه غیرمتمرکز عمل کنیم، واقعیت این است که اجرای سیاست‌های ما به شکل غیرمتمرکز عملیاتی می‌شود. از این‌رو باید مشارکت، ارتباط، مالکیت و افزایش تعهد و انگیزه کسانی که به‌اجرای این تغییرات به‌کار

گمارده می‌شوند، به رسمیت شناخته شود.

ما می‌دانیم که کنترل بیش از حد می‌تواند به خشکی

بیش از حد منجر شود. از سویی دیگر، تمرکز نداشتن بیش از حد به هرج و مرج می‌انجامد. این دوگانگی مشکل‌ساز است. در این میان نیازمند مصالحه هستیم و باید تنش بین این دو را تا رسیدن به یک ترکیب خلاق هدایت و راهبری کنیم. مدرسه تنها مکان و موقعیتی آموزشی نیست، بلکه بستری^۲ نرم‌افزاری و موقعیت و فضایی واسطه‌ای است که برنامه‌ها در آن به‌اجرای آزمایشی درمی‌آیند و برای اجرای واقعی آماده‌سازی می‌شوند و معلمان هم به‌عنوان رهبران آموزشی، وظیفه هدایت و کنترل برنامه‌های درسی و آموزشی را برعهده دارند و آن را پیش می‌برند.

مدرسه و کلاس درس واقعی‌ترین و عینی‌ترین جلوه و جایگاهی است که اتفاق‌های آموزشی در فضای آن سازمان‌دهی می‌شوند و به‌اجرا درمی‌آیند



یکی از کارهای اساسی معلم در کلاس درس این است که چارچوبی از دانش آماده کند تا دانش‌آموزان در قالب آن بتوانند مسائل را تمرین کنند و به کار ببندند



را از محتوای دانش برنامه‌ای که قرار است نهایتاً در آن مشاغل به کار بسته شود و دانش‌آموزان را از صنایع و مشاغلی که قرار است دانش آنان در آن محیط به‌اجرا درآید، آشنا می‌سازند.

معلمان در این راستا با تعیین اهداف عینی، تدوین محتوای مناسب، فعالیت‌هایی که برای دانش‌آموزان در نظر می‌گیرند، راهبردهای تدریس مؤثر و کارآمد، طراحی و اجرای ارزشیابی‌های درست و متناسب با اهداف آموزشی، تأثیر خود را در برنامه درسی اعمال می‌کنند.

ناگفته پیداست که در این میان باورهای معلمان بر میزان و نوع مشارکت آن‌ها در برنامه‌ریزی درسی مؤثر است. هر چه معلمان برنامه‌های درسی را بیشتر و بهتر باور کنند، نه تنها میزان مشارکت آنان بالا می‌رود، بلکه حس تعلق آنان هم بیشتر شکل می‌گیرد. این حس تعلق به شکل‌گیری انگیزش جمعی معلمان منجر می‌شود که بر پایه آن جنبشی عمومی را در پیشبرد برنامه‌ها به راه می‌اندازد.

معلمان تنها برنامه‌های درسی را اجرا نمی‌کنند، بلکه در آن‌ها دخل و تصرف می‌کنند. در زمینه‌هایی که برنامه‌ها پشتوانه علمی دارند و هدف‌ها و برنامه‌ها به‌صراحت بیان شده‌اند، معلمان با دلگرمی و جدیت بیشتری آن‌ها را اجرا می‌کنند و برعکس، بخش‌های نامرتب و غیرمؤثر و نامفهوم را حذف می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که نباید معلمان را صرفاً مجریان بی‌چون و چرای برنامه‌ها از پیش تعیین شده در نظر گرفت، بلکه باید آنان را در فرایند برنامه‌ریزی مشارکت داد.

و هماهنگ کردن آن‌ها با استانداردهای برنامه درسی برعهده دارند. معلم همین‌طور باید بیندیشد که چگونه این محتواها را در زمان تعیین شده ارائه کند. یکی از کارهای اساسی معلم در کلاس درس این است که چارچوبی از دانش آماده کند تا دانش‌آموزان در قالب آن بتوانند مسائل را تمرین کنند و به کار ببندند. درحالی که متخصصان و برنامه‌ریزان درسی بیرون از فضای آموزشی و درسی به سر می‌برند، این معلمان هستند که با حضور در فضای آموزشی می‌دانند چه برنامه‌ای مناسب‌ترین برنامه برای اجرا و برای دانش‌آموزان مفیدتر است. این معلمان هستند که می‌توانند به‌منظور یکپارچه‌سازی مراحل و فرایندهای اجرای برنامه‌های درسی و سازگار کردن و مصالحه میان برنامه‌های درسی، شرایط واقعی مدرسه، نیاز دانش‌آموزان و اهداف آموزشی، نقش محوری ایفا کنند.

مشارکت معلمان در فرایند برنامه‌های درسی آشکار و رسمی

موفقیت و شکست برنامه‌های درسی در گرو همکاری و مشارکت معلمان است. تصمیم‌گیری در برنامه درسی دامنه گستره و وسیعی دارد. کلاین^۹ دامنه و سطوح این مشارکت را حول محور نقش معلم در تأثیری که بر دانش‌آموزان می‌گذارد و برحسب میزان دوری و نزدیکی این تصمیم‌گیری‌ها به دانش‌آموزان در سطوح علمی و اجتماعی مختلف در نظر می‌گیرد.

در این سطح علمی، محتوای علمی درس و شیوه‌های آموزش قرار دارد. معلمان اگر در این سطح تأثیر بگذارند، پیشرو تغییرات خواهند بود. معلمان در این سطح می‌توانند با غنی‌سازی محتوای

درس یا کمک گرفتن از دانش‌های غنی علمی، نظریه‌ها و دانش‌های به‌روز و کارامدی که جنبه مفهومی و علمی غنی دارند و کاربردی و عملی هستند، برنامه‌های درسی را پررنگ و غنی کنند.

در سطح اجتماعی برنامه‌های درسی به جامعه نزدیک می‌شوند. معلمان با نزدیک کردن دانش نظری به نهادهای اجتماعی و درهم‌تنیدن دانش و واقعیت عینی جامعه، زمینه فهم‌پذیر کردن و جنبه به‌کار بستن برنامه را فراهم می‌کنند. معلمان دوسونگ‌رانه جامعه و صاحب حرف و صنایع



معلم باید خود ببیند بشود که چگونه محتوای برنامه‌های درسی را به کار گیرد تا هم متناسب با نیاز و علاقه دانش‌آموزان باشد و هم با شرایط آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به جامعه متناسب شود



درسی پنهان توجه نکنند یا آن‌ها را نادیده بگیرند، آن برنامه از جریان تعلیم و تربیت جدا می‌ماند، بلکه به صورت ناخواسته و مبهم، اثرات نامنظم و بعضاً متناقض خود را بر جریان آموزش و پرورش تحمیل می‌کند. این موضوعی است که گاه‌گاهی از آن به عنوان اثر نامرئی، ناخودآگاه، ناخواسته یا اتفاقی در مدرسه و معلم نام برده می‌شود.

نتیجه‌گیری

آموزش و پرورش فرزندان ما همان قدر که تحت تأثیر برنامه‌های درسی قرار دارد، از خود معلمان نیز متأثر است. معلمان با شخصیت، تجربه‌های زیسته‌شان، باورها و عقایدشان، ارزش‌ها و فرهنگی که از آن حمایت می‌کنند و حمایت می‌شوند، به نقش‌آفرینی مشغول‌اند. معلمان برنامه‌های درسی را دستمایه کار خویش قرار می‌دهند و با دخل و تصرف در آن‌ها، اجرایشان می‌کنند. معلمان با پیاده‌سازی برنامه‌های رسمی، به شکل‌گیری فرهنگ رسمی و رفتارها و هنجارهای رفتاری و مهارت‌هایی که برنامه‌های درسی و نظام رسمی مدرسه انتظار دارد، کمک می‌کنند. در کنار این اثرگذاری رسمی، معلمان (خواسته یا ناخواسته) می‌کوشند فرهنگی غیررسمی و ارزش‌هایی ضمنی و رفتارها و هنجارهایی شکل بگیرند که به صورت زیرپوستی در موقعیت‌های واقعی و آزاد و غیررسمی جریان دارند. معلمان می‌توانند این دو جریان را تا حد امکان به هم نزدیک کنند و به یکپارچه‌سازی تأثیرات آشکار و پنهان آموزشی و تربیتی اهتمام ورزند. این موضوع تا حد زیادی به این امر بستگی دارد که نقش و مشارکت معلمان در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی و آموزشی چه اندازه جدی تلقی شود و این نقش‌آفرینی و مشارکت تا چه حد به کار گرفته شود.

پی‌نوشت

1. Fullan
2. Platform
3. interactive
4. null
5. explicit
6. hidden
7. intended
8. administrated
9. Klein

منابع

1. اسکندری، حسین (۱۳۸۷). برنامه درسی پنهان. نشر نسیم، تهران.
2. گویا، زهرا و ایزدی، صمد (۱۳۸۱). جایگاه معلمان در سطوح تصمیم‌گیری برنامه درسی. فصل‌نامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س). ۱۲/۴۲.
3. Ausbrooks, Ruby (2000). What is School's hidden curriculum teaching your child? www.Parentingteens.com /curriculum.shtm1.
4. Klein, M.F. (1991). A Conceptual Framwork For Curriculum Decision Making in the politics of Curriculum Decision Making. State University of New York Press.

نقش معلمان در برنامه‌های درسی ضمنی، ساکت و پنهان
تأثیر مهم‌تر و اساسی‌تر معلمان را باید در نقشی که در برنامه‌های ضمنی و پنهان بازی می‌کنند، جست‌وجو کرد. برنامه‌های ضمنی بیش از آنکه کانون برنامه‌های درسی را هدف قرار دهند، متوجه پیرامون فرایند آموزش هستند؛ موضوعی که به ارزش‌ها و فرهنگ و ترجیح‌های آموزشی و تربیتی بازمی‌گردد. معلمان نه تنها ارزش‌های خاصی را حمایت و پشتیبانی می‌کنند، بلکه ارزش‌های جدیدی را می‌آفرینند. به همین سبب، ارزش‌های خاصی را بی‌اعتبار قلمداد و از آن‌ها غفلت می‌کنند. نوعی اجتناب آگاهانه و سکوت معنادار که عمدتاً از ناحیه ارزش‌های کلان فرهنگی و اجتماعی ریشه می‌گیرد و حمایت می‌شود. معلمان به‌منزله یک نهاد واسطه‌ای و یک میانجی مهم، واسطه انتقال ارزش‌های فرهنگ اجتماعی به درون مدرسه هستند و دانش‌آموزان خواسته یا ناخواسته در معرض این باورها و ارزش‌ها قرار می‌گیرند و آن‌ها را درونی می‌کنند. این ارزش‌ها تنها بر رفتارها تأثیر ندارند، بلکه اهمیت بعضی محتواها را تأکید می‌کنند و برخی را غیرمهم می‌دانند. برخی روش‌های تدریس و ارزشیابی را با اهمیت می‌دانند و از کنار بعضی بی‌صدا می‌گذرند. از این رهگذر، بیش از محتوایی که آموزش می‌دهند، فرهنگ خاصی را ایجاد می‌کنند. بستگی به نوع جهت‌گیری و هدف‌گذاری‌های روشن می‌توان مشاهده کرد که آیا این فرهنگ صورت منسجم و سازواری دارد که رفتارها و هنجارهای خاصی را شکل دهد یا به بروز آشفتگی رفتاری و ناهنجاری و بدشکلی و بی‌هنجاری فرهنگی و اجتماعی در رفتار فردی و اجتماعی دانش‌آموزان منجر می‌شود.

شکل خاصی از تأثیرگذاری معلمان به برنامه درسی پنهان مربوط می‌شود. برنامه درسی پنهان نوعی برنامه است که اگرچه آشکار نیست و پنهان قلمداد می‌شود، برنامه ضمنی هم محسوب نمی‌شود. اگرچه همه برنامه‌های درسی به محتوای صریح و ضمنی برنامه‌ها مربوط می‌شوند، برنامه درسی پنهان، به ساختار ارائه محتوا و شکل ارائه و سازمان‌دهی فرایندهای آموزشی مربوط است. برنامه درسی پنهان نظیر نقشه ساختمان است که براساس نوع طراحی آن مصالح به کار گرفته می‌شوند. شما به هر جای ساختمان نگاه کنید، نقشه اجرا شده را می‌بینید. اما با وجود آشکارشدگی آن توجهتان به مصالح و در و دیوار و رنگ و روی ساختمان است و آنچه از نظرتان دور می‌ماند همان نقشه‌ای است که برابر دیدگان شماست. این‌طور نیست که اگر معلمان به برنامه‌های ضمنی و برنامه‌های